

مهر مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

نامه تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست

اتحاد شوروی بمناسبت سالگرد انقلاب کبیر اکتبر

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی! رفقای عزیز! کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت پنجاه و یکمین سالروز انقلاب کبیر و سوسیالیستی اکتبر از جانب خود و تمام اعضای حزب ما به شما و توسط شما تمام مردم شوروی شادباش میگوید. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر رهائی جامعه بشری را از قید ستم و استثمار و جنگ و بنیاد نهاد و راه صحیح تکامل جامعه را بملی

که در راه آزادی اجتماعی و ترقی و نیکبختی میگویند نشان داد. کامیابهای مردم شوروی در ساختمان سوسیالیسم و مجاهدات آنان در راه ایجاد بنیاد مادی و فنی کمونیسم در سرنوشت تمام ملل جهان تأثیر عظیم میبخشد. دنباله در صفحه ۳

اعلامیه جلسات گروه کار و کمیسیون تدارک جلسه مشاوره جهانی

احزاب کمونیست و کارگری

حزب کمونیست آرژانتین، حزب سوسیالیست متحده آلمان، حزب کمونیست آلمان، حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزب کمونیست اتریش، حزب کمونیست اسپانیا، حزب کمونیست استرالیا، حزب کمونیست اسرائیل، حزب کمونیست آفریقای جنوبی، دنباله در صفحه ۵

گروه کار و کمیسیون تدارک جلسه مشاوره جهانی احزاب کمونیست و کارگری از روز ۲۷ سپتامبر تا اول اکتبر سال ۱۹۶۸ در بوداپست تشکیل جلسه داد. نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری شرکت کننده در این جلسات عبارت بودند از:

در باره انتخابات انجمن شهر

پس از مدتها گفتگو در باره انتخابات انجمن شهر ها و شهرداران و تبلیغ فراوان تحت عنوان «واگذاری کار مردم ب مردم» فرمان انتخابات انجمن شهر در تمام شهر ها از طرف وزارت کشور صادر و روز ۱۲ مهر ماه برای انجام آن در سراسر کشور تعیین شد. بلافاصله، چون در کشور دمکرات ما همه چیز حزبی است، فعالیت و مبارزه احزاب ایران نوین، مردم و پان ایرانیست آغاز و بازار «میتینگ» های حزبی گرم گردید! مجله خواندنیها در باره این انتخابات در شماره ۶۹ خود چنین نوشت: «در این روزها چیزی باسم انتخابات انجمن شهر با شرکت «هزار اتومبیل و سی هواپیما و ۳۲۹۷ کارمند عالیرتبه دولت و بالاخره ۲۰۵۶۲ معتمد محل» در جریان است و بازار مناسبات حزبی، آنهم بصورت حرف و کل گفتن و گل شنیدن در روزنامه های ارگان بالا گرفته است... شرکت بیست هزار و بانصد معتمد محل هم از آن حرفها است. یکی نیست پیرسد اگر ما این همه معتمد محل داریم پس چرا اینقدر نسبت بهم بی اعتمادیم؟! در این میان مضحکتر از همه درفشانیهای سخنگوی حزب اکثریت است که در پاسخ بانتقاد روزنامه ها دایر بدخالت کارمندان دولت در انتخابات گفته است: «کارمندان دولت از ذیصلاحیت ترین!» افراد این مملکت برای شرکت در انتخابات هستند!»

مهرگان توده ها

برخی اطلاعات تاریخی است که مانند نوروز و سده و بهمنگان (یا بهمنجه) ریشه اش را باید در جشنهای کشاورزی و کشاورزان جست. ایرانیان در دوران پیش از اسلام هفته نداشتند بلکه هر روز ماه را نام گذاری میکردند. روز شانزدهم هر ماه بنام ایزد مهر، بود که از مهمترین ایزدان مزده یسنه است. روز مهر را در ماه مهر جشن میگرفته اند و این همان جشن مهرگان است که تا دیری پس از سلطه اسلام و بویژه در دوران غزنویان مراسم برگزاری آن مراعات میشد و سپس در اثر عصبی که علیه آداب زرتشتی ایجاد شده بود بتدریج مانند جشن سده تعطیل شد. آن ایام مهرگان جشن شاهان و خسروان، بود و آنرا بمهرگان عامه و خاصه تقسیم میکردند که جمعا مراسم سی روز طول میکشید و شاه در مهرگان خاصه بار عام میداد. از آنجا که تأسیس حزب ما در دهم مهر ماه انجام گرفت کمیته مرکزی حزب توده ایران در مهر ماه ۱۳۲۵ تصمیمی اتخاذ کرد دائر به اعیان جشن مهرگان. این بار بنام بنیاد گزار و مالک واقعی آن - خلق زحمتکش ایران، نخستین بار این جشن باشکوه تمام از طرف حزب ما در آنسال برپا شد. بعد ها هیئت حاکمه کشید این ابتکار را از حزب ما مانند بسیاری ابتکارات دیگر بریاید و مهرگان توده را بار دیگر مانند عهد دقناوس بصورت جشن خسروانه در آورد. ولی مهرگان که جشن باستانی توده هاست به توده های ایران و به سخنگوی واقعی آنها - حزب توده ایران متعلق و از آنان انفکاک ناپذیر است.

مهرگان را برای در نزد ما فرخنده است: و عزیز بداریم نخست از آنجهت که جشن باستانی مردم سرزمین ایران است. دوم از آنجهت که جشن بنیاد حزب توده ایران است و بوسیله این حزب اعیان شده است. جا دارد ما این جشن را مانند سنتی گرمی برپای داریم و در آن از حزب توده ایران و تاریخ غنی و پرفخرش یاد کنیم. در ایام باستان ایرانیان جنوب کشور مهر را آغاز سال میشمردند و ایام مهر را ایام «آفرینش» جهان میدانستند. تقریباً مانند مسیحیان که سال را از زمستان مبداء میکنند و آنرا با میلاد مسیح با اختلاف اندکی مطابقت میدهند. ولی نوروز برای اکثریت مردم بمشابه آغاز سال مورد قبول واقع شده است. اما جشن مهرگان را ما میتوانیم مبداء و سرآغاز پیدایش یک جنبش وسیع توده ای طراز نوین انقلابی در تاریخ ایران بشمریم که بی شک در تحول سیاسی جامعه کشور ما تأثیر داشته و در آینده بیش از گذشته خواهد داشت. این نیز خود مبداء آفرینشی است منتها نه آفرینش بنداری جهان بلکه آفرینش واقعی جامعه نظام نوین. حزب توده ایران و جنبش توده ای آرثیه ای سرشار از تجارب مثبت و منفی، تلخ و شیرین دارند که وظیفه مقدس نسل نوین انقلابیون آموختن آن

پاسخ حزب زحمتکشان ویتنام

به نامه تبریک حزب ما

کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت بیست و سومین سال استقلال ویتنام شالی نامه تبریکی به کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام ارسال داشته بود. اینک تلگراف جوابیه حزب زحمتکشان ویتنام: به کمیته مرکزی حزب توده ایران از تبریک شما بمناسبت بیست و سومین سالگرد استقلال ما و از پشتیبانی گرم شما از مبارزه ما علیه تجاوز آمریکا و در راه آزادی ملی، از طرف زحمتکشان ویتنام، طبقه کارگر و تمام مردم ویتنام صمیمانه تشکر میکنیم. باشد که دوستی بین احزاب ما و خلقهای ما بیش از پیش گسترش و تحکیم یابد.

امپریالیسم آلمان غربی

مواضع خود را در ایران مستحکمتر میکنند از ۱۸ تا ۲۱ شهریور ماه کیزینگر صدر اعظم آلمان غربی در ایران بود. کیزینگر سال گذشته هم به ایران سفر کرد. ولی مسافرت اخیر به ایران وتر که و افغانستان، یعنی سه کشور هم مرز با اتحاد شوروی، بلافاصله پس از حوادث چکوسلواکی دارای اهمیت خاصی است. تلاش برای جبران عقب ماندگی از رقبا ایران بعنوان یک کشور نفت خیز و یک بازار مناسب همیشه مورد توجه خاص امپریالیسم آلمان بوده است. آلمان امپراطوری، آلمان هیتلری و آلمان فیدرال هر یک بشیوه خود ولی همواره با یک هدف یعنی غارت دنباله در صفحه ۵

پیروزی درخشان ستاره های ورزش ایران در مسابقات المپیک

بصورتیکه خوانندگان ازجمله «مردم» اطلاع دارند، ورزشکاران ایران در المپاد سال ۱۹۶۸ که در شهر مکزیکو بر گزار شد با وجود قلت نفرات بدریافت دو مدال طلا، یک مدال نقره و دو مدال برنز نائل آمدند. این کامیابی ورزشکاران ایران که در نبردی بزرگ با حریفان جهانی نیرومند بدست آمده است، نشان میدهد که علیرغم محیط نامساعد ورزش در ایران، محدود بودن دامنه ورزش، بی اعتنائی به کشف و جلب نیروهای بالقوه نسل جوان در شهر ها و روستا ها، رواج فساد و بوروکراسی در سازمانهای ورزشی، حیف و میلها، تبعیض ها، استعداد کشی ها و بویژه ناهنجاری رفتار متصدیان رژیم نسبت به ورزشکاران که نمونه بارز آن مرگ پر از ابهام «تختی» قهرمان محبوب است، چه ذخایری از استعدادها در میان توده جوانان ما نهفته است.

ما پیروزی درخشان ستاره های ورزش ایران را که علیرغم همه دشواریها، برای میهن و هم میهنان خود کسب افتخار نموده اند صمیمانه تبریک میگوئیم و آرزو میکنیم که مبارزه جوانان ورزشکار و ورزش دوست برای برانداختن مواضع موجود در راه پیشرفت ورزش و بسط دامنه ورزش قهرمان موفقت گردد و زمینه را برای پیروزیهای درخشان تر ورزشکاران ما تأمین نماید.

تجارب است. بدون چنین آموختنی بیم آنست که مثبت ادامه نیابد و منفی تکرار شود. حزب ما علیرغم شکست هایی که متحمل شده با نا کامیابانی که داشته از جهت سرشت اجتماعی و نقش عمده تاریخی خود بدون تردید بزرگترین قدرت اجتماعی انقلابی در تاریخ کشور ماست و اگر توافقی تقریبی جشن مهرگان با روز تأسیس آن، بسبب عزت و قدس سنت های اصیل خلقی، آنرا میاراید، بجز آن میتوان گفت که نام حزب ما نیز بمهرگان توده ها جلوه ای تازه میبخشد.

دنباله در صفحه ۲

در باره انتخابات انجمن شهر

مجری تصمیمات و برنامه های حزب خواهند بود» همین روزنامه میگوید: «مبارزه حزب مردم با حزب اکثریت و جوا بگونی حزب ایران نوین به مردمیها در میان مردم نوعی جنگ زرگری تلقی شده و مطلعین میگویند که سهمیه حزب مردم در انتخابات انجمن شهر قبلاً تعیین شده.»

از این قبیل مطالب و اخبار که نشان دهنده ماهیت این انتخابات و نظائر آن است در روزنامه ها و مجلات فراوان است. در حقیقت این انتخابات هم نظیر انتخابات مجلس شورا و سنا پیش از یک صحنه سازی مضحک نیست که بدست همان بازگراگان اجرا میشود.

مردم در فرهنگ لغات حکومت ایران دو نوعند یکی میلیونها نفر که کار متعلق به آنهاست و دیگری گروههایی که کار بدست آنها داده میشود. وقتی گفته میشود کار مردم را بدست مردم بدهید باین معنی است که کار آن میلیونها را باین گروهها بدهید.

البته کارهای مردم گوناگون است، بر حسب نوع آنها گروههایی که باید کارها بداند آنها سپرده شود تغییر میکند اگر کار مربوط به اداره کارخانه های دولتی یعنی مؤسسات متعلق به مردم است باید آنها را بدست فئودالهای بورژوا شده و صاحبان سرمایه دار، اگر کار قانونگذاری است باید بدست نمایندگان و سناتورهای دستوری و اگر هم کار مربوط به امور جاری زندگی مردم از معیشت و بهداشت و فرهنگ در یک شهر است آنرا هم باید بگروه مشخصی از ساکنان شهر که یا جزء طبقات حاکمه و یا وابسته بآن هستند سپرد!

شعار واگذاری کار مردم به مردم که عوام فریبانه از طرف حکومت ایران داده میشود قبل از هر چیز اقرار باین واقعیت غیر قابل انکار است که بهر حال تا کنون کارهای مردم بدست خودشان نبوده است حال باید دید که آیا باغاصبان حقوق مردم واقعا میخواهند آنها را بصاحبانشان بیاورند؟ مسلماً خیر! این رژیم که بر محور استبداد میچرخد از مردم واهمه دارد و بهیچ قیمتی حاضر نیست که نمایندگان منتخب مردم حتی در امور مربوط به برداری دخالت کنند. آنچه رژیم میخواهد دادن رنگ و آب دموکراسی و مردم خواهی به بیکره استبداد و حکومت مطلقه خویش است. این سیاست که شالوده آن دروغ و

ریاکاری است در سرتاسر اعمال رژیم منعکس است و مردم هم خوب آنرا دریافته اند. باین جهت است که با اسلحه مقاومت منفی نقشی را که رژیم میخواهد بآنها تحمیل کند، خنثی میکنند، رژیم مسایل است که در انتخابات مجلس شورا، مؤسسان و هر نوع انتخاباتی مردم از خود جنب و جوش نشان دهند و به حوزه های انتخاباتی هجوم بیاورند ولی هنگام انداختن رأی بصندوق ورقه حاضر و آماده ای را که مأموران سازمان امنیت و با بصورت حزبی بگوئیم «فعالین حزب ایران نوین و مردم» بآنها میدهند بصندوق بیاندازند. توده

مردم که از این خیمه شب بازی خبر دارند نفرت و انزجار خود را با عدم شرکت در اینگونه بازبهدای انتخاباتی ابراز میدارند. در انتخابات مجالس شورا و سنا و مؤسسان که رژیم در یکروز با «کارت الکترال» و آزادی کامل برای «احزاب» انجام داد، نزدیک به هفتاد درصد از دارندگان حق رأی شرکت نکردند و آنها که شرکت کردند از روی اجبار بودند نه اختیار. ترس دولت از مردم بحدی است که از آغاز تا انجام یک کار «انتخاباتی» انواع و اقسام احتیاطات لازم را بعمل میآورد. ابتدا استانداران بتهران خوانده میشوند (البته نه بعنوان انتخابات) و دستورات لازم را از دولت میگیرند. استانداران هم آنچه را استاد گفته بفرمانداران و فرمانداران بیخداشان بازگو میکنند و سپس مرحله اجرا با تشکیل کمیسیونهایی که اکثریت اعضای آنها از مأموران گوش فرمان دولت هستند و چند نفر از معتمدان، یعنی معتمدان دولت نه مردم، آغاز میگردد. چون نامزد ها باید «ذصلاحیت» باشند اولین کار کمیسیونهای کدائی رسیدگی به «صلاحیت» آنهاست شایستگی نامزدها در قاموس رژیم موجود نه عبارت از یا کدائنی، معروفیت و مردم پسند بودن آنهاست، بلکه شایستگی آنها از لحاظ هماهنگی و تناسب با رژیم، درجه چاکری

بشاه، نداشتن پیشینه توده ای - مصدقی و اینگونه مسائل مورد بررسی است. البته احزاب شاه فرموده برای تسهیل کار این کمیسیونها نامزدهای خود را که حائز شرایط لازمند (۱) قبلاً اعلام میکنند و در تبلیغات خود بمردم میفهمانند که راهی جز انتخاب این نامزدها نیست و بدین ترتیب محلی برای اشخاص شایسته باقی نمیماند و هر که بتواند از شرکت در انتخابات خودداری میکند.

حزب دولتی ایران نوین دو روز قبل از انتخابات علناً اعلام کرد که «حق چاپ اسامی کاندیداها فقط متعلق باحزابی است که از هر حیث «متشکل» میباشند و منفردین باید هنگام دادن رأی اسامی نامزد های خود را روی کاغذ معمولی بنویسند و در صندوق بیاندازند. سخنگوی حزب اکثریت افزود: «حزب ایران نوین کاغذ آبی رنگ را برای این منظور انتخاب کرده و باندازه لازم «لیست» نامزدهای انتخاباتی حزب بر روی این کاغذها چاپ شده و روز جمعه آئینده در حوزه های اخذ رأی در اختیار افراد «حزبی» گزارده خواهد شد تا آنرا بصندوق بریزند» (نقل از اطلاعات ۹ مهر ماه).

مسئله دخالت دولت در امر انتخابات تا آنجا روشن است که کیهان از قول روزنامه «حزب مردم» چنین مینویسد: «در چنین گرم بازار تخلفات از جانب حزب حاکم در اکثر شهرها، دیگر محلی برای شرکت مؤثر احزاب اقلیت و مردم غیر حزبی در امور معاشی خود باقی نیست و به همین علت است که در بسیاری از شهرها، نامزدهای اقلیت و مردم غیر حزبی استعفای فردی یا جمعی را بر ادامه مبارزه ترجیح داده اند و خود را از مبارزه با دست بسته در برابر رقیبی متخلف ولی با دست باز

کنار میکشند». مجله خواندنیها شماره ۹۸ منتقل از روزنامه دیپلمات در باره نظر مردم نسبت به اینگونه انتخابات چنین مینویسد: «لایقیدی و عدم اعتنای بامر مهم تشکیل انجمن های شهر مقرون بسوابق گذشته و نحوه انتخابات نمایندگان قوه مقننه بوده که متأسفانه مواعید مصادر امور هم توانسته است جامعه را بصحت انجام آن معتقد سازد.»

ما در مورد لزوم تشکیل انجمن شهر و انتخاب شهرداران بطرز دموکراتیک و همچنین لزوم تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی نه تنها هیچگونه مخالفی نداریم بلکه تشکیل این انجمنها را جزء لاینفک رژیم مشروطیت ایران میدانیم که در قانون اساسی ایران پیش بینی شده است. اما در کیفیت انتخابات در میزان قدرت و صلاحیت این انجمن ها، همانقدر با رژیم موجود مخالفت داریم که نسبت بخود رژیم. ما شرط اول هرگونه انتخاباتی را وجود محیطی آزاد میری از ترس و بیم و دور از هرگونه محرومیت صنفی و طبقاتی و جنسی و مذهبی میدانیم. ما دخالت دولتها را در هرگونه انتخاباتی از جمله انجمن های شهر نقض حقوق مردم و نقض قانون اساسی می شماریم. در کشور ما از آزادی اثری نیست و وقتی آزادی نباشد انتخابات جز انتصابات مفهومی ندارد. کوشش حکومت ایران برای ایجاد فرمهایی بدون محتوی و دادن شعارهای درون تهی نمیتواند ذره ای از این واقعیت را پنهان کند که رژیم ایران رژیمی ضد دموکراتیک است. تغییر چند نفر فرماندار یا بخشدار تحت عنوان «دخالت در انتخابات انجمن شهر» و یا نطق غرای وزیر کشور دایره به «آزادی انتخابات» و یا بازی موش و گربه احزاب دولتی بعنوان مبارزه انتخاباتی همه برای پوشاندن چهره ضد دموکراتیک و ضد خلقی رژیم است. انجمن های محلی چه مربوط بشهرداری و چه ایالتی و ولایتی باید سزگروهائی باشند که در آنها نمایندگان توده مردم بتوانند بر اعمال و افعال مأموران دولتی نظارت کنند و سرنوشت مردم را از لحاظ معیشت، بهداشت و فرهنگ در دست بگیرند چنین سزگروهائی را که تأثیر آنها میتواند از حد امور محلی تجاوز کند و سیاست کلی داخلی کشور را تحت نفوذ قرار دهد، رژیم مطلقه بالا اختیار بدست مردم نخواهد داد اشغال هر سزگروهی از سزگر انجمن شهر گرفته تا سزگر پارلمان مستلزم مبارزه بی امان است. مبارزه ای که در آن باید اکثریت مردم شرکت نمایند.

در مقاله ای دیگر تحت عنوان «از جنجال تبلیغاتی، تا واقعیت زندگی دهقانان» مبارزات گذشته و حال دهقانان برای زمین و علیه اربابان فئودال و مأموران دولتی تصویر شده است. بخصوص از تحمیلات گوناگون سازمان عیان روستائی خوزستان به دهقانان بیبانه اجرای «طرح آبیاری دز» یاد شده و پس از اشاره به گذران دشوار دهقانان و پرداختهای سنگین آنان تحت عنوان قسط زمین، بهره وام، مال الاجاره، آب بها، قیمت شخم زمین، بهای بنر گفته میشود: «با تبلیغات نمیتوان شکم مردم گرسنه را پر کرد و فریاد آرزویخواهان را خاموش ساخت. با طرح بدون اجراء و پوشالی نمیتوان انقلاب کرد، زیرا فرق است بین انقلابی که شاه مدعی طرح و اجرای آنست و آنچه واقعاً انقلاب نامیده میشود. زیرا انقلاب دگرگونی روابط و مناسبات اقتصادی و نابودی کامل طبقات بهره کش بسود طبقات بهره ده در شرایط معین تاریخی میباشد»

در مقاله ای تحت عنوان: «بطوریکه و همه جانبه فن پنهانکاری را بیاموزیم» به مبارزاتی که در شرایط دشوار کنونی به پیکار انقلابی علیه ارتجاع و امپریالیسم ادامه میدهند توصیه ها و رهنمودهای مفیدی شده است. شعارهای کمیته های مرکزی حزب توده ایران بمناسبت روز اول ماه مه و پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به خلفای

دنباله در صفحه ۴

دنباله در صفحه ۴

دنباله در صفحه ۴

دنباله در صفحه ۴

دنباله در صفحه ۴

«شعله جنوب»

منتشر شد

شماره یازدهم «شعله جنوب» از گران تشکیلات خوزستان حزب توده ایران اخیراً منتشر شده است. سر مقاله این شماره به اول ماه مه روز بین المللی کارگران اختصاص دارد. در این مقاله چنین گفته شده است: «... روز اول ماه مه در کشور های سوسیالیستی شاهد قدرت و عظمت و تکنیک و شور و شغف، در کشور های آزاد شده از یوغ استعمار شاهد امید، و در قزل قلعه و زندانهای یونان و ویتنام جنوبی، رودزیا و دیگر کشور های سر سپرده و وابسته شاهد تلاش بیکر زحمتکشان جهان هستیم...»

طبقه کارگر ایران، بالاخص کارگران خوزستان با شمس سیاسی و ایمان طبقاتی خود میداند که رژیم منقرض کودتا، بزرگترین دشمن مردم و عظیم ترین عامل بدبختی و اسارت خلقهای ایران است و با علم و یقین باین مسائل و درک عمیق حقایق، به سنن بین المللی کارگران وفادار است و در هر شرایط علیرغم تمام حیل و دسائس رژیم و به رغم ارباب و وحشت امسال نیز مانند سالهای پیش در همه جا دور هم جمع میشوند مسائل و خواسته های خود را در میان میکذارند همسنگی ها و سوگند های خود را تجدید میکنند و در راه احیاء سازمانهای صنفی و سیاسی خویش مصمم تر میشوند.

در مقاله ای دیگر تحت عنوان «از جنجال تبلیغاتی، تا واقعیت زندگی دهقانان» مبارزات گذشته و حال دهقانان برای زمین و علیه اربابان فئودال و مأموران دولتی تصویر شده است. بخصوص از تحمیلات گوناگون سازمان عیان روستائی خوزستان به دهقانان بیبانه اجرای «طرح آبیاری دز» یاد شده و پس از اشاره به گذران دشوار دهقانان و پرداختهای سنگین آنان تحت عنوان قسط زمین، بهره وام، مال الاجاره، آب بها، قیمت شخم زمین، بهای بنر گفته میشود: «با تبلیغات نمیتوان شکم مردم گرسنه را پر کرد و فریاد آرزویخواهان را خاموش ساخت. با طرح بدون اجراء و پوشالی نمیتوان انقلاب کرد، زیرا فرق است بین انقلابی که شاه مدعی طرح و اجرای آنست و آنچه واقعاً انقلاب نامیده میشود. زیرا انقلاب دگرگونی روابط و مناسبات اقتصادی و نابودی کامل طبقات بهره کش بسود طبقات بهره ده در شرایط معین تاریخی میباشد»

در مقاله ای تحت عنوان: «بطوریکه و همه جانبه فن پنهانکاری را بیاموزیم» به مبارزاتی که در شرایط دشوار کنونی به پیکار انقلابی علیه ارتجاع و امپریالیسم ادامه میدهند توصیه ها و رهنمودهای مفیدی شده است. شعارهای کمیته های مرکزی حزب توده ایران بمناسبت روز اول ماه مه و پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به خلفای

دنباله در صفحه ۴

دنباله در صفحه ۴

دنباله در صفحه ۴

دنباله در صفحه ۴

دنباله در صفحه ۴

جزوه سوم از جلد اول «سرمایه»

منتشر شد. بهاء ۴۰ ریال

صفحه سرودها منتشر شد

این صفحه حاوی سرود های اول و سوم و چهارم حزب و یک بند از سرود انترناسیونال و یک بند از سرود جهانی جوانان میباشد.

بهاء ۷۰ ریال و در خارج از ایران یک دلار و یا معادل آن.

دنباله از صفحه ۱

امپریالیسم آلمان غربی مواضع خود را در ایران مستحکمتر میکند

منابع ثروت و نتیجه دسترنج مردم میهن ما فعالیت در عرصه اقتصاد ایران پرداخته اند. کودتای ۲۸ مرداد که خوان فغا را برای همه دول امپریالیستی گسترده امکانات جدیدی نیز برای توسعه نفوذ اقتصادی امپریالیسم آلمان غربی فراهم آورد. بدست آوردن مقام اول و یا دوم در بازار گانی خارجی ایران، سرمایه گذاری در بانکها (که برای نخستین بار انجام گرفته) شرکت در اجرای برخی از طرحهای سازمان برنامه، دست یافتن به منابع نفت ایران (که برای نخستین بار انجام گرفته) نمونه هایی از مواضع تازه ای است که امپریالیسم آلمان غربی در اقتصاد ایران بدست آورده است.

ولی در سالهای اخیر یعنی در دوران رشد نسبتاً سریع سرمایه داری در ایران انحصار گران آلمان غربی در زمینه سرمایه گذاری از رقبای انحصار گر امریکایی و انگلیسی و فرانسوی و ژاپنی و غیره عقب ماندند. یکی از هدفهای عمده تلاش تب آلود اخیر محافل آلمان غربی برای جبران این عقب ماندگی

کیزینگر طی یک مصاحبه مطبوعاتی گفته است که «صنایع آلمان در دو زمینه بخصوص ممکن است نسبت به امر سرمایه گذاری در ایران علاقه بیشتری نشان دهند: (۱) سرمایه گذاری در بهره برداری از مواد خام (۲) ایجاد یک واحد قوی صنعت پتروشیمی». و روزنامه «مردمبارز» از قول «محافل سیاسی» نوشت: «کمک های آلمان غربی به طرح های کشاورزی ایران بیش از اعتباراتی است که برای تأسیسات اقتصادی و فنی اختصاص داده خواهد شد». بسخن دیگر آلمان غربی سیاست همیشگی خود را مبنی بر مخالفت با ایجاد صنایع سنگین در ایران (که بهترین نمونه آن خرابکاری در ساختن کارخانه ذوب آهن بود، با اینکه ساختن آنرا قبل از همه بعهد گرفته بود) ادامه میدهد و مایل است فقط در کشاورزی و بهره برداری از مواد خام سرمایه گذاری کند. سرمایه گذاری در صنایع پتروشیمی هم موافق با آرزوی دیرینه امپریالیسم آلمان برای تسلط هر چه بیشتر منابع نفت ماست و در ضمن آینده هم دارد. خصلت غارتگرانه سرمایه گذاری در رشته های مورد علاقه راهم خود کیزینگر صریحاً گفته است:

«میزان سرمایه گذاری آلمان بهر حال بستگی بقدرت دولت ایران در تشویق سرمایه گذاری آلمانی در ایران دارد. زیرا این سرمایه گذاریان تاجران و علاقه آنان پولسازی است.» بنزبان ساده تر دولت ایران باید بهترین و بیشترین امکانات را برای بدست آوردن سود های کلان فراهم کند، در غیر اینصورت از سرمایه گذاری آلمان غربی خبری نیست. رژیم کنونی ایران که علاقمند کردن تمام دول امپریالیستی را در اقتصاد و سیاست ان برای بقاء خود لازم میدانند و علاوه بر این

دنباله از صفحه ۱

اعلامیه جلسات گروه کار و کمیسیون تدارک حزب کمونیست اکوادور، حزب پیشاهنگ سوسیالیستی الجزیره، حزب کمونیست ایالات متحده امریکا، حزب کمونیست ایتالیا، حزب کمونیست اورو گوته، حزب توده ایران، حزب کارگر ایرلند، حزب کمونیست

شده است. آلمان غربی با پشتیبانی کامل از سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم امریکا در صحنه جهانی، از جمله در ویتنام، پس از امریکا عمده ترین نیروی ارتجاعی در سراسر جهان است. امپریالیستهای آلمان غربی که هنوز خواب «آلمان بزرگ» را می بینند، مطمئن ترین و قوی ترین دستیار امپریالیسم امریکار ضد صلح جهانی و آزادی و استقلال ملتها هستند.

هدف عمده سیاسی سفر کیزینگر، بلافاصله پس از حوادث چکوسلواکی، به سه کشور هم مرز اتحاد شوروی، بویژه ایران و ترکیه که عضویمانهای نظامی امپریالیستی هستند، برای آن بود که دوباره افسانه «تهدید شوروی» را برای زمامداران این کشورها تکرار کند و آنها را که تحت فشار واقعیات و قبل از همه بعلت سیاست صلحجویانه و مبتنی بر احترام به استقلال و تساوی حقوق ملتهای اتحاد شوروی، گام هایی در راه بهبود روابط خود با اتحاد شوروی برداشته اند، دوباره به سیاست جذب سرد و سیاست تقویت بلوک بندیهای نظامی

امپریالیستی بر ضد اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، بکشانند. از مذاکرات سیاسی بین کیزینگر و شاه و نخست وزیر مطلبی فاش نشده است. ولی وقتی «اطلاعات» از روزنامه «پراودا» (که سفر کیزینگر را یک «مأموریت بد خواهانه» نامیده) گنله میکند، وقتی بقول «اطلاعات» محافل نزدیک روابط ایران و آلمان نتایج مسافرت صدر اعظم آلمان را «مثبت» و «ثمر بخش» ذکر کردند، در حالیکه همه میدانند دو دولت آلمان وجود دارد، که یکی از آنها در وجود جمهوری دمکراتیک آلمان، نخستین دولت سوسیالیستی ملت آلمان است، و با اینکه در اعلامیه رسمی همه جا فقط از «آلمان» صحبت میشود، آنوقت میتوان دریافت که آن سیاست تجاوزکارانه ای که از طرف آلمان غربی دنبال میشود مورد تأیید دولت ایران است. و همه اینها را هم باز ناشی از «سیاست مستقل ملی» میدانند.

ولی نمیتوان درجنگ سرد آلمان غربی بر ضد اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی شرکت کرد، جمهوری دمکراتیک آلمان را ندیده گرفت و کانون جنگ و تجاوز در اروپا یعنی آلمان غربی را «دوست» خواند و باز هم دم از «سیاست مستقل ملی» زد. این سیاستی است ضد ملی و ماجرا جویانه. سیاستی است که نه فقط بزبان عالیترین مصالح ملت ایران است، بلکه دود آن بچشم طراحان و مجریان آن نیز خواهد رفت.

دنباله در صفحه ۴

ایرلند شمالی، حزب کمونیست برزیل، حزب سوسیالیست متحده برلن غربی، حزب کمونیست بریتانیای کبیر، حزب کمونیست بلژیک، حزب کمونیست بلغارستان، حزب کمونیست بولیوی، حزب کمونیست پارا گوئه، حزب کمونیست پرو، حزب کمونیست ترکیه، حزب کمونیست تونس، حزب کمونیست چکوسلواکی، حزب کمونیست دانمارک، حزب کمونیست رئونون، حزب کمونیست رومانی، حزب کمونیست سالوادور، حزب کمونیست سان مارینو، حزب کار سوییس، حزب کمونیست سودان، حزب کمونیست سوریه، حزب کمونیست شیلی، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست فرانسه، حزب کمونیست فنلاند، حزب ترقیخواه توده زحمتکش قبرس، حزب پیشاهنگ توده کستاریکا، حزب کمونیست کلمبیا، حزب کار گواتمالا، حزب کمونیست گوادلوپ، حزب کمونیست لبنان، حزب کمونیست لو کزامبورگ، حزب متحد کارگری لهستان، حزب کمونیست مارتینیک، حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، حزب آزادی و سوسیالیسم (مراکش)، حزب انقلابی توده مغولستان، حزب کمونیست مکزیک، حزب کمونیست ونزوئلا، حزب وحدت توده ای هائیتی، حزب کمونیست هندوراس، حزب کمونیست هندوستان، حزب کمونیست یونان.

عده ای از احزاب که نمایندگان آنها بععل مختلف توانسته بودند به جلسه بیایند برای کمیسیون تدارک نامه فرستاده بودند. کمیسیون تدارک گزارش اطلاعاتی مربوط به جریان کار تدارک جلسه مشاوره احزاب کمونیست و کارگری را استماع کرد و آنرا تأیید نمود. پیرامون مسائل مربوط به جلسه مشاوره جهانی احزاب کمونیست و کارگری بحث و مذاکره صورت گرفت. شرکت کنندگان در جلسات کمیسیون تدارک ضرورت تشکیل جلسه مشاوره جهانی را بمنظور بررسی وظائف مبارزه علیه امپریالیسم در مرحله کنونی و در راه تأمین وحدت عمل احزاب کمونیست و کارگری و تمام نیرو های ضد امپریالیستی با تفاق آراء تأیید کردند.

شرکت کنندگان در جلسات کمیسیون تدارک قرار گذاشتند که جلسه بعدی کمیسیون تدارک را روز ۱۷ نوامبر سال جاری در بوداپست تشکیل دهند و در آن در باره مسئله تاریخ تشکیل جلسه مشاوره و نحوه تدارک بعدی آن مذاکره کنند. جلسات گروه کار و کمیسیون تدارک در محیط تبادل نظر آزاد رفقانه صورت گرفت و بار دیگر تمایل احزاب برادر را به توسعه بیش از پیش همکاری بر بنیاد مارکسیسم لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری نشان داد. بوداپست. اول اکتبر سال ۱۹۶۸

دو اعلامیه

اخيراً تشکيلات تهران و تشکيلات خوزستان حزب توده ايران در تأييد اقدام پنج کشور عضو پيمان ورشو اعلاميه هائي منتشر نموده اند که خلاصه اي از آنها را براي اطلاع خوانندگان مردم نقل ميکنيم :
در اعلاميه تشکيلات تهران چنين ميخوانيم :

اميراليستهاي امريکائي که سردمدار سرکوب نهضتهاي آزاديخواهانه در جهانند ، با اين احساس که کمونيسم يك عارضه موقتي است و در دوران آرامش ميتوان اين عارضه را بطريق رخنه گري و ايجاد دستسه از بين برد ، مدتها قبل سزگر آزمايش خود را در اروپاي شرقي گسترده اند و کوشش ميکنند که از روچه انحرافي برخي جوانان که در قالب اجتماعي هر يك از کشورها وجود دارد استفاده کرده و راه بازگشت به قلمرو گذشته را براي آنها باز گذارند . با نفوذ عوامل « سيا » و « اتلچنت سرويس » در قلمرو کشور سوسياليستي چکوسلواکي مرزهاي آن کشور حريم امنيت خود را از دست داد ... تشکيلات تهران حزب توده ايران اقدام مثبت اتحاد جماهير شوروي و کشورهاي سوسياليستي عضو پيمان ورشو را در واقعه چکوسلواکي مورد بررسي و ارزيابي منطقي قرار داده و مورد تأييد همه جانبه قرار ميدهد و آنرا اقدامي درست ، برحق و عادلانه ميداند که حفظ و تحکيم دستاوردهاي سوسياليستي را در چکوسلواکي امکان پذير ساخت .

تشکيلات خوزستان نيز در اعلاميه منتشره چنين ميگويد :

«... اميراليستهاي امريکائي وانگليسي بدستباري انتقامجویان و بازماندگان فاشيست هاي هيتلري با نفوذ در برخي از جوانان گمراه و آناشيست وعدهاي از ضدانقلابيون چکوسلواکي کوشش داشتند که راه رشد و توسعه سوسياليسم را سد کرده و زيرلوي بازگشت به دموکراسي ، چکوسلواکي را از جرگه خانواده سوسياليستي جدا سازند ... جالب اينجاست که اميراليستهاي امريکائي که در ويتمان مدارس و بيمارستانها را بماران ميکنند و مزارع و کشتزارها را با بمب ناپالم از توليد و کشت بي بهره ميسازند و آنها که در دومينگن و در خاورميانه باتوطئه مستقيم و يا با کمک ابادي ، آثار زندگي را ميزدايند ، در ايران کودتاي ۲۸ مرداد راه مياندازند ، در يونان مشتري سرهنگ آدمکش را بر جان و مال و ناموس مردم مسلط ميگردانند ، در امريکا آزاديخواهان وسياهان را به شلاق و گلوله مي بندند حال به ناله در آمده و سعی در تقبيح عمل شوروي و اعضاي پيمان ورشو دارند غافل از اينکه همين تبليغات اميراليستي خود دليل بر حقيانيت و اثبات عمل اتحاد شوروي است .

تشکيلات خوزستان حزب توده ايران عقيماً اعتقاد دارد که اقدام شوروي و ساير اعضاي پيمان ورشو در واقعه چکوسلواکي

از ادعا تا واقعيت

درباره مبارزه با بيسوادي در ايران

روز اول مهر زنگهاي مدارس بندا در آمد ولي مانندساليهاي پيش دهها هزار کودک ايراني همچنان پشت در مدارس ماندند . هزاران کودک ايراني بعلت نبودن مدرسه و بسياري ديگر بعلت نبودن جا و لزوم پرداخت شهریه هاي سنگين نتوانستند يا ب مدرسه بگذارند . اشرف پهلوي اخيراً در دومين اجلاسيه كميته مشورتي بين المللي بيکار با بيسوادي از اقدامات وسيعي که در ايران به رهبري شاه براي مبارزه با بيسوادي صورت ميگيرد ياد کرده است . وي در سخنراني خود ميگويد :

ايران پرچم جهاني مبارزه با بيسوادي را در دست گرفته است . ايران پيشقدم است . پيشقراول است . ايران حاضر است تجربيات خود را در مبارزه با بيسوادي در اختيار جهانيان قراردهد . اشرف پهلوي در سخنراني خود براي ۷۰۰ ميليون مردم جهان که در بيسوادي مطلق مانده اند و کسي بغير آنها نيست گريسته است . او خطاب بشرکت کتيدگان در دومين اجلاسيه كميته مشورتي بين المللي بيکار با بيسوادي ميگويد ايران حاضر است کادرهاي خود را براي مبارزه بين المللي با بيسوادي تجهيز کند . بايد پرسيد که اشرف پهلوي سخنگوي کدام کشور است ؟

به آمار زير که از شماره هاي ۲۰ خرداد ۱۳۴۶ و پنجم فروردين ۱۳۴۷ روزنامه اطلاعات گرفته شده است توجه فرمائيد اطلاعات مينويسد در نتيجه سرشماري آبانماه ۱۳۴۵ روشن شد از ۲۵ ميليون و ۷۸ هزار و ۹۲۳ نفر جمعيت ايران ۱۸ ميليون و ۸۷۷ هزار و ۶۰۰ نفر آنها را افراد هفتسال بيالا تشکيل ميدهند . از اين عده فقط پنج ميليون و ۶۰۱ هزار و ۷۰۰ نفر سواد دارند ، ۱۲۶۹۳۶۰ نفر بيسوادند وعدهاي نيز فقط ميتوانند بخوانند . بر اساس آمار سرشماري سال ۱۳۴۵ فقط ۲۹٫۴ درصد افراد از هفتسال بيالا در ايران سوادخواندن و نوشتن دارند و بقيه يعني هنوز بيش از ۷۰ درصد در بيسوادي مطلق بسر ميبرند . در همين آمار ميخوانيم که نسبت تحصيلي براي ستين پائين يعني از هفت تا يازده سال در تمام کشور ۴۹٫۶ درصد است و باين ترتيب هنوز ۵۰ درصد اطفال واجب التعليم ب مدرسه نبروند . وضع کودکانی که ب مدرسه رفته اند چگونه است ؟ کيهان نوشته است : ما به هشت هزار مدرسه و ۷۰ هزار آموزگار در رشته هاي مختلف نمازمنديم .

که ، بدون خونريزي و در جهت روشن کردن و ارشاد خلق برادن انجام گرفته است عملي منطقي و در جهت حفظ و تحکيم دموکراسي و سوسياليسم در چکوسلواکي و کاملا عادلانه و بر حق بوده است . ما اعتقاد داريم که نياستي به نيزو هاي ضد انقلابي امکان داد که در از دو گاه سوسياليسم رخنه کرده و موجبات تفرقه و جدائي را فراهم آورند .

اکثر مدارس ابتدائي و متوسطه معلم ندارند . در بعضي از کلاسهاي درس بيش از ۱۰۰ تا ۱۵۰ شاگرد را مانند قوطي ساردين کنار هم چيده اند آموزگاران مدارس که از لحاظ قانوني بايد فقط ۲۰ تا ۲۲ ساعت در هفته تدریس کنند اغلب مجبورند ۴۸ تا ۵۰ ساعت در هفته کار کنند . در اينجا در باره کتابهاي درسي و سيستم کهنه آموزش و پرورش راه و روشهاي نادرست تعليم و تربيت ، سوء استفاده هاي کلاني که صورت ميگيرد و بهدر دادن عمر گرانه هاي جوانان سخني نميگوئيم . صحت بر سر دعاوي سران رژيم در مبارزه با بيسوادي و نشان دادن سيمای رژيمي است که خود را پرچمدار اين بيکار ميخواند .

در ساليهاي اخير بهمت گروهی از جوانان ما در روستاهای دور و نزديک کشور تلاشي قابل توجه براي مبارزه با بيسوادي صورت ميگيرد . ولي با در نظر گرفتن سپاه عظيم بيسوادان ، رشد ۲٫۵ درصد جمعيت کشور در سال ، نبودن وسائل آموزشي و پرورشي براي تمام کودکان لازم التعليم ، عقب ماندگي روستاها ، نداشتن وسيله و حتي سر بنهائي براي تعليم کودکان و بزرگسالان کوشش اين جوانان بجا نياي نرسد . گردانندگان سپاه دانش ادعا ميکنند که تا کنون بهمت جوانان بيش از دو ميليون نفر با سواد شده اند ، اگر اين رقم درست هم باشد نمیتواند افتخار آزين باشد چرا که بر اساس آمار سرشماري سال ۱۳۴۵ ، ۷۰٫۰ درصد بزرگسالان در کشور ما بيسوادند . هر سال نيم ميليون نفر به جمعيت کشور افزوده ميشود و هر سال بيش از ۵۰ درصد کودکان لازم التعليم پشت در مدارس ميمانند . اين واقعت نشان ميدهد که سپاه دانش عليرغم کوشش جوانان آن قادر نيست اين معضل بزرگ اجتماعي را از ميان بردارد .

موضوع مهم ديگر يک تکرار آن ضروريست معلوماتيست که دانش آموزان سپاه دانش کسب ميکنند . اين معلومات در سطح نازل و بسيار اندک است . تجربه نشان داده است که در مدت ۱۴ ماه بدون وجود شرايط لازم و وسيله کافي نمیتوان خواندن و نوشتن آموخت . تازه اکثر کار شناسان فرهنگي ايران اعتراف کرده اند که سپاهيان دانش بعلى گوناگون در مدت ۱۴ ماه اقامت خود در دهات جز چند ماه تعليم بيسوادان نميزدانند و بر فرض که دانش آموزي ۱۴ ماه مدرسه خواند وقتي وسيله ادامه تحصيل براي او در ده وجود ندارد چه بهره اي از سواد جزئي ، ناقص و سطحی خود بر ميگيرد ؟

کشور ما با حرف پرچمدار مبارزه با بيسوادي است . با حرف قهرمان اصلاحات ارضي است . با حرف ما از اروپا بيش اقتاده ايم و با حرف گردانندگان رژيم براي هريك از مردم کشور ما کاخي از علاج ساخته اند . حزب توده ايران بيوسته مدعي بوده است که رستاخيز فرهنگي و آموزشي ايران تنها ميتواند محصول انقلاب اجتماعي و اقتصادي و سياسي کشور باشد ، تا چنين نشود گفنگو از رستاخيز فرهنگي و آموزشي گفته گويست عبث ، دروغ و عوامر بيانه !
ا. فروزان

پخش تراکت در تهران

تشکيلات تهران حزب توده ايران بمناسبت جشن مهرگان و تصادف آن با بيست و هفتمين سالگرد تأسيس حزب توده ايران تراکت هائي حاوي : نخست باد بيست و هفتمين سال تأسيس حزب توده ايران ، مهرگان فرخنده باد ، حزب توده ايران مبارز راه آزادي و استقلال در تهران پخش نموده اند . اين تراکتها حاوي شعار هاي ديگري از قبيل درود به اراني و روزبه و همه شهداي حزب توده ايران ، درود به زندانيان سياسي ، درود به پيروان حکمت جو ، علي خاوري ، صابر محمد زاده و آصف رزم ديده ، ما آزادي زندانيان سياسي را خواستاريم ، حزب توده ايران در خلل ناپذير مبارزه ضد استبداد و ضد استعمار ، بوده اند .

دنباله از صفحه ۲

شعله جنوب منتشر شد

ايران بمناسبت تشکيل کنفرانس حقوق بشر در تهران از مطالب ديگر شماره اخير «شعله جنوب» است .

در مقاله اي با عنوان « مرغ دزدان به لاشخوري رسيدند » ، آشفنگي هاي سازمان تربيت بدني و دزدبها و سوء استفاده هاي گردانندگان اين سازمان که بيوسته زير نظر شاه عمل کرده اند تشریح شده است . اخبار مربوط به زندگي کارگران در شهر هاي جنوبي ايران و نيز مقاله اي درباره خليج فارس از مطالب ديگر اين شماره از «شعله جنوب» است . موفقيت رفقای رزمنده خود را در بيکار غليه امپرياليسم و از تجاع و بخاطر سعادت خلقهاي ايران آرزومنديم .

دنباله از صفحه ۳

امپرياليسم آلمان غربي

سفر کزينگر به ايران و نتايج سياسي و اقتصادي آن هشدار جديدي به محافل ملي و مترقي ايران است تا با مبارزه متحد خود دولت ايران را از تشديد وابستگي به امپرياليسم تجاوزکار آلمان غربي بازدارند و به برسميت شناختن جمهوري دمکراتيک آلمان وادار سازند .

م . انوشه

تعمير آدرس راديو پيك ايران

هموطنان عزيز ! رفاي حزبي !

به اين آدرس در استکهلم (سوئد) با راديو پيك ايران ماهنامه مردم ، مجله دنيا و مجله مسائل بين المللي مکتبه کنيد . نظريات ، انتقادات و پيشنهادهاي خود را براي بهبود راديو و مطبوعات و مجموعه فعاليت ما ارسال داريد .

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

پیروزی بزرگ ملت قهرمان ویتنام

سر انجام نبرد قهرمانانه مردم ویتنام و فشار نیروهای صلحدوست در سراسر جهان و از جمله در امریکا به آنجا رسید که جونسون رئیس جمهوری امریکا مجبور شد به پیشنهاد قطع بمباران ویتنام شمالی و قبول نمایندگان جبهه آزادیبخش ملی ویتنام برسر میز مذاکرات صلح تن در دهد. بموجب فرمانی که روز جمعه اول نوامبر صادر گردید، در ساعت ۲ بعد از ظهر روز جمعه بمباران ویتنام شمالی قطع شد و از روز چهارشنبه ۶ نوامبر مذاکرات صلح باشرکت نمایندگان جمهوری دموکراتیک ویتنام شمالی، نمایندگان جبهه آزادیبخش ملی ویتنام، نمایندگان دولت ویتنام جنوبی و نمایندگان امریکا، در پاریس آغاز میشود.

این عقب نشینی امریکا را باید قبل از هر چیز پیروزی بزرگ ملت قهرمان ویتنام، اردوگاه سوسیالیسم، جنبش آزادیبخش ملی ویتنام جنوبی و جنبش صلح و ترقی در سراسر جهان و از جمله جنبش مترقی امریکا دانست، که با مبارزه خستگی ناپذیر خود، امپریالیسم تجاوزکار را یک گام دیگر به عقب رانند.

جنگ ویتنام که وحشیانه ترین جنگ تاریخ بشری نام گرفته است از یکسو نشان میدهد، وقتی ملتی مصمم به دفاع از استقلال و حاکمیت خویش است، هیچ جنگ تجاوزکارانه و هیچ نیروی قهریه ای قادر به شکست او نیست و از سوی دیگر پرده از سیمای وحشی امپریالیسم در مبارزه با خلقهای آزادی دوست برمیگردد. امپریالیسم امریکا تا کنون از ارتکاب هیچ جنایتی علیه خلق زحمتکش و صلحدوست ویتنام خودداری نکرده است؛ از ککهای میلیارد ها دلاری به دولت های دست نشانده ویتنام جنوبی برای سرکوب نهضت استقلال طلبانه مردم ویتنام، ارسال سیل مدرنترین سلاحهای جنگی، اعزام ارتش ۵۰۰ هزار نفری، ریختن هزارها تن بمب بر سر مردم بی دفاع، تخریب و نابودی شهرها و دهات، اعمال وحشیانه ترین شکنجه ها علیه افراد ارتش آزادیبخش مردم غیر نظامی همه و همه به بارز ترین نحو، سیمای جنایتکار امپریالیسم امریکا را نشان میدهد. اما علیرغم همه این اقدامات تجاوزکارانه استراتژی امریکا در جنوب شرقی آسیا که باصطلاح برای «جلوگیری از کمونیس» طرح ریزی شده پس از صرف میلیارد ها دلار دچار مفتضح ترین شکست ها شده است. ویتنام قهرمان، امروز جاذب تر از همیشه، ملل استعمار زده سراسر جهان و از جمله ملل جنوب شرقی آسیا را به مبارزه با امپریالیسم و استقرار نظام عادلانه سوسیالیسم فرامیخواند.

شک نیست که این پیروزی ملت قهرمان ویتنام، دیر یا زود پیروزیهای دیگری نیز بدنیا خواهد داشت. امپریالیسم امریکا ناگزیر باید تمام عملیات جنگی را علیه مردم ویتنام موقوف سازد و ارتش خود را از

ویتنام جنوبی خارج کند و ملت ویتنام را در تعیین سرنوشت خود آزاد گذارد. ما پیروزی خلق ویتنام را به مردم ویتنام و همه ترقیخواهان و صلحدوستان جهان تبریک میگوئیم و آرزو مند پیروزیهای نوین برای این ملت قهرمان هستیم. ما باز دیگر همبستگی خود را با ییکار عادلانه خلق ویتنام اعلام میداریم و از همه میهن پرستان و ترقی خواهان ایران می طلبیم که همگام و همصدا با بشریت مترقی پشتیبانی خود را از خلق ویتنام تشدید کنند.

دنباله از صفحه ۱

نامه تبریک بمناسبت انقلاب کبیر اکثر

اتحاد شوروی در نظر جامعه ترقیخواه بشری مدافع نیرومند صلح، دموکراسی و سوسیالیسم است. اتحاد شوروی با قاطعیت و پیگیری علیه تجاوز امپریالیسم و در راه امنیت و صلح در سراسر جهان مبارزه میکند.

کمک های گرانهای اتحاد شوروی ب مردم قهرمان ویتنام علیه تجاوز امپریالیسم امریکا، اقدامات قاطعی که اتحاد شوروی همراه با سایر کشورهای سوسیالیستی برای دفاع از دستاوردهای سوسیالیستی مردم چکوسلواکی در قبال دسائس ضد انقلاب و امپریالیسم بین المللی بعمل آورده، سیاست پیگیری اتحاد شوروی در پشتیبانی از مبارزه مردم کشورهای عربی علیه تجاوز اسرائیل و حامیان امپریالیست آن، دفاع قاطع و کمک های مشخص اتحاد شوروی به جنبش های آزادیبخش ملی در سراسر جهان بارز ترین نمودار وفاداری حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی به اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری است.

مساعی خستگی ناپذیری که حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی در راه تحکیم و حفظ وحدت اردوگاه جهانی سوسیالیستی و جنبش کمونیستی و کارگری بخاطر پیروزی مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری بعمل میآورد مورد تأیید و پشتیبانی کامل حزب توده ایران است.

مردم ایران اتحاد شوروی را دوست، پشتیبان و متحد صدیق خود در مبارزه برای تأمین استقلال و ترقی اجتماعی میهن خویش میشمارند.

حزب توده ایران مبارزه در راه بهبود هرچه بیشتر مناسبات ایران و اتحاد شوروی را با وظائف ملی و انترناسیونالیستی خویش هماهنگ میداند.

اتحاد شوروی - آفریده انقلاب کبیر اکثر بزرگترین تکیه گاه جهانی مبارزه علیه امپریالیسم و حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزب لنین بزرگ پرچمدار مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری است.

رفقای عزیز! در سالروز خجسته انقلاب اکبر - جشن بزرگ طبقه کارگر و زحمتکش سراسر جهان، کامیابیهای هرچه بیشتر شما را در مبارزه پر ارج تان برای

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت کشتار های اخیر کردستان

طبق اخبار موثقی که از مجاری مختلف به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران رسیده است رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک حاکم در کشور ما به جنس و زجر و شکنجه و اعدامهای فردی و دسته جمعی تازه و وسیعی در سرتاسر کردستان دست زده است. تنها در یکی دو ماه اخیر علاوه بر کشتار های سابق ده نفر دیگر از هموطنان کرد ما بشرح زیر از طرف مقامات حاکمه ایران بقتل رسیده اند:

- ۱- ملا قادر لاجین در مهلباد بدار آویخته شد
- ۲- علی رحیمی در خانه تیر باران شد
- ۳- احمد مجید در مهلباد بدار آویخته شد
- ۴- محمد رسول در خانه بدار آویخته شد
- ۵- سین جل کوچ در جلدیان تیر باران شد
- ۶- حمزه مولود در اشانویه بدار آویخته شد
- ۷- یوسف حمزه در خانه تیر باران شد
- ۸- ملا حسن در مهلباد بدار آویخته شد
- ۹- ملا عبدالله در مهلباد بدار آویخته شد
- ۱۰- ملا آوار در مهلباد بدار آویخته شد

بعلاوه هم اکنون عده زیادی از برادران کرد و آذربایجانی ما در شهر های تبریز، رضایه، مهلباد، اشونیه، تنده، وکان، منگور، لاهیجان، بیوان دستگیر شده و در انتظار سرنوشت شومی هستند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران باین باین اعمال وحشیانه آشکارا و ضد ملی و ضد دموکراتیک مقامات حاکمه ایران شدیداً اعتراض میکند و از همه احزاب و گروه و شخصتهای ملی و دموکراتیک دعوت میکند بهر وسیلهای که در اختیار دارند بااعمال وحشیانه زور و انتزاع کنید! مجازات مسئولین امر و آزادی همه زندانیان سیاسی را که در زندانهای ایران در زیر شکنجه های قرون وسطایی با مرگ دست بگیربباندند بویژه آزادی همه کسانی را که اکنون در زندانهای کردستان و آذربایجان در انتظار سرنوشت شومی نشسته اند طلب نمایند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
آبان ۱۳۴۷

قطعنامه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

در باره فعالیت بین المللی حزب

جلسه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران که از ۲۹ تا ۳۱ اکتبر ۱۹۶۸ تشکیل بود، پس از استماع گزارش هیئت دبیران در باره حوادث چکوسلواکی و موضع گیری حزب ما، قطعنامه زیر را با اتفاق آراء تصویب نمود. عین گزارش در شماره آینده مردم، برای اطلاع خوانندگان گرامی انتشار خواهد یافت.

دنباله از صفحه ۶

بدون تفسیر

۳) اظهار نظر روزنامه «توفان» در باره روزنامه «توفان» پس از اخراج گروه سه نفری از «سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور» و پیوستن این گروه به روزنامه «توفان»

«... روزنامه توفان توانست مشی روشن و بی تزلزلی تعقیب کند، دچار نوسان شدیدی بود و در عوض اینکه با دادن شعارها و ارائه خط مشی مارکسیستی - لنینیستی در صدد جلب مارکسیست - لنینیست ها و سایر انقلابیون ایران باشد به اعلام شعارهای عام دموکراتیک اکتفا میکرد... با وجود مبارزات درونی نسبتاً شدید هنوز فاقد مبنای ایدئولوژیک و سیاسی مارکسیستی - لنینیستی بود و بناچار بتضاد های بسیاری دچار میآمد... تضاد برای انتخاب دوراهی که آیا توفان بشیوه متزلزل گذشته خوش ادامه دهد و یا صریحاً خط مشی مارکسیستی - لنینیستی انتخاب کند... شدت بیسابقه ای یافت. نوساناتی که از شماره ۱۸ تا ۲۲ دوره دوم توفان در مطالب آن پیدا شدحاکی از این بود که گاهی یک طرف تضاد و گاهی طرف دیگر تعیین کننده راه میگردد... عناصری که از موضع گیری های انقلابی توفان خرسند نبودند گوش میکردند گروه توفان را از داخل پراکنده سازند. تعطیل توفان و نفاق افکنی در داخل گروه نتایجی بود که از این فعالتهای اخلاکگراانه بدست آمد.»

(از «توفان»، شماره ۲۲، دوره سوم، مرداد ۱۳۴۷)

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران گزارش هیئت دبیران را در باره موضع حزب توده ایران در حوادث چکوسلواکی، در باره جلسه تدارکی کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری مورد مطالعه و مباحثه قرار داد.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران گزارش زور را مورد تأیید کامل قرار داده به هیئت دبیران مأموریت میدهد که این گزارش را منتشر سازد. هیئت اجرائیه با خرسندی اطلاع یافت که موضعگیری هیئت دبیران و اعلامیه های کمیته مرکزی مورخه نهم و هفتم شهریورماه ۱۳۴۷ از طرف سازمانهای حزبی مورد تأیید قرار گرفته است این امرحاکمی از رشد آگاهی طبقاتی و ایمان انترناسیونالیستی اضنه حزب ما است.

هیئت اجرائیه به هیئت دبیران مأموریت میدهد که با اقدامات خود در جهت تفهیم و توضیح باز هم دقیقتر موضع حزب ادامه دهد.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمیمانه امیدوار است که هر چه زودتر موجبات عادی شدن اوضاع چکوسلواکی فراهم آید و حزب برادر کمونیست چکوسلواکی بتواند بر مشکلات موجود در جهت تحکیم رهبری طبقه کارگر و حزب آن فائق آید.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران معتقد است که هم بیوستگی و تحکیم هر چه بیشتر اردوگاه سوسیالیستی شرط ضروری موفقیت کلیه نیرو های مترقی جهان و از جمله نیروهای پیشرو کشور ما در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع است.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران موضع هیئت نمایندگی حزب ما را در کمیسیون تدارکی کنفرانس بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری که از ۲۷ سپتامبر تا اول اکتبر ۱۹۶۸ در بوداپست منعقد بود و همچنین تصمیماتی را که در این جلسات اتخاذ شده است مورد تأیید قرار میدهد.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران که در جلسه آینده کمیسیون تدارکی - ۱۸ نوامبر - شرکت نموده از تشکیل هر چه سریعتر کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری پشتیبانی نماید.

حزب توده ایران تشکیل کنفرانس بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری را بویژه در اوضاع و احوال کنونی وسیله نیرومندی برای تحکیم وحدت و همبستگی نهضت جهانی کمونیستی و پیشرفت مبارزه کلیه نیروهای ضد امپریالیستی در قیاس جهانی میشمارد.

تحقق بهترین آرمانهای جامعه ترقیخواه بشری، در مبارزه بخاطر ساختمان کمونیسم صمیمانه آرزو مندیم.

فرخنده باد جشن پنجاه و یکمین سال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر!

بدون تفسیر

۱) «انقلابیون توده» در باره «مارکسیست - لنینیست های توفان»

اظهار نظر «سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور» در باره انشعابگران از کمیته مرکزی حزب توده ایران پس از اخراج آنها از این «سازمان»:

«... آنها در حقیقت از آنرو با منصرف آمدند که کاسبکارانی طامعند و بوی کاسبی تازه ای بمشامشان رسیده است. قصد آنها این بود که سازمان ما را به دکانی تازه تبدیل کنند، جهت انقلابی آنرا منجر نمایند و آنرا از هم بپاشند... آنها از این فرصت نیز که سازمان در اختیارشان گذاشته بود استفاده نکردند بلکه شروع بیک سلسله اقدامات خرابکارانه نمودند.»

در اظهار نظر «سازمان انقلابی» صفات و مختصات زیر برای این گروه بر شمرده شده است: کسانیکه «ماسک» به چهره خود زده اند و حرفهای «ظاهر فریب» مینهند... «تقدیری با کثافات» آلوده شده اند که «آب دریاها نیز نمیتواند تمیزشان سازد... دارای اشتباهات ثوریک» و «اپورتونیسیم» هستند و اینها «از یک موضع ایثنولوژیکی نادرست و غیر پروتتری سرچشمه میگیرد... دارای تزیینات «سراب» رویزونیستی» هستند «فقط کلمات اینها عوامفریبانه تر و پر بیج و خم تر است»... «عوامفریبی» میکنند، «مقام رهبری را دو دستی چسبیده اند و خیال ندارند آنرا از دست بگذارند... عقیده آنها «فقط میتواند ناشی از روحیه بوروکراتیک، دیلمات منشی و شناختن خط مشی توده ای باشد»... «نمایندگان طرز تفکر کهنه ای هستند که سرنوشت نهضت را به اینجا کشانده اند. با اینکه اکنون تظاهر به «نو» بودن و طرفداری از نو میکنند جامد و کهنه و متحجرند... کارشان «جز تقلید و کپی برداری نیست»... دارای «ماهیت اپورتونیستی و رویزیونیستی» هستند... «همه اشتباهاتی را که خود کرده اند... حاشا میکنند»... از همان آغاز شروع به خرابکاری در کار سازمان نمودند. از آغاز میخواستند یک خط مشی هوچگرانه و کاسپی منش را به توده تحمیل کنند، آنرا به بهانه «مبارزه با رویزیونیسم» از مبارزه با رویزیونیسم بازدارند... مانند یک «خرده بورژوا» از «انتقاد از خود» و «از لطمه دار شدن پرستیژ خود بمشابه رجال ترسیدند... «در بهانه سازی و توجیه استناد»... «تهمت زن و دروغگو هستند»... «کاردانان غیر انقلابی» و «سیاه را سفید و سفید را سیاه جلوه میدهند.»

(از شماره هفتم «توده» سال اول، اسفند ۱۳۴۵)

۲) «مارکسیست - لنینیست های توفان» در باره «انقلابیون توده» اظهار نظر «سازمان مارکسیستی -

«تسلیت»

با نهایت تأسف از درگذشت آقای نوروزی پسر رفیق ازجند مادود نوروزی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و عضو هیئت تحریریه مردم اطلاع یافتیم. این ضایعه را به رفیق عزیزمان از صمیم قلب تسلیت میگوئیم. کمیته مرکزی حزب توده ایران هیئت تحریریه ماهنامه مردم

لنینیستی توفان» در باره «سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور» و گردانندگان آن پس از اخراج گروه سه نفری از سازمان اخیر:

«یقیناً این سه نفر (گروه انشعابگر از کمیته مرکزی حزب توده ایران - مردم) با سابقه و تجارب شخصی خوش بخوبی میدانستند که هر سازمان نوظهوری اگر چه بر اثر مبارزه جوئی انقلابیون صدیق بوجود آمده باشد از نفوذ ماجرا جوان و فرصت طلبان و عمال اخلاک امر بالیسیم و رویزیونیسم خالی نتواند بود... «انحرافات ایثنولوژیکی سیاسی و سازمانی شان هر روز کم و بیش آشکار شده است... «شیوه اینان بدون کم و کاست شیوه فاشیستی بود، شیوه دشمنان سوگند خورده مارکسیسم - لنینیسم بود، شیوه رویزیونیست های ورشکسته بود. اینان وقتی که سلاح تهدید و تطیع را بی اثر یافتند و خطر افشاء مواضع لرزان و مشکوک خویش را حس کردند سراسیمه وار نقشه کشیدند... که این گروه را «از سر راه بردارند یعنی در واقع فرمان سازمان امنیت و رویزیونیسم جهانی را بموقع اجرا در آورند.»

اینان سه نفر را «به قصد نابودی آنها ناگهان در کشور امریالیستی، در کشور «شیطان زرد»، در کشوری که فقط به دارندگان سیم و زر حق حیات میدهد بدون کمترین وسیله امرار معاش تنها گذاشتند و خندان خندان در کمین نشستند که گوتین گرسنگی و بی خانمانی گی بر گردن آنها فرود خواهد آمد و راه فریبکاریهای سیاسی اینان را کپی خواهد گشود... اینها افرادی هستند» که خود را در کنار مارکسیست - لنینیست ها جا داده اند و از پشت به آنها خنجر میزنند، افرادی که در کویپین سه عضو کمیته مرکزی در همه حال با رویزیونیستها هماهنگی کردند، افرادی که چند سال نهضت مارکسیستی - لنینیستی ایران را بعنوان مختلف در رخوت و کمراهی نگه داشتند، فرصتهای گرانبهایی را فرار دادند و زمینه مساعد فعالیت را چنان بر هم زدند که برای بهبود آن زحمات و مشقات فراوان لازم است... «حوادثی که... گذشته است میتواند بر تجدیدی بر عملیات زیانکارانه این ماجراجویان سیاسی و گرداننده و بنا گردانندگان پشت پرده آنها بیفکند.»

(از «توفان»، شماره ۸، دوره سوم، فروردین ماه ۱۳۴۷)

دنباله در صفحه ۳

غرفه «مردم» نمایشگر مبارزه و زندگی

سی و سومین جشن روزنامه «اومانیته» ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه در روزهای ۷ و ۸ سپتامبر ۱۹۶۸ در پاریس تشکیل بود. در این جشن طبق معمول همه ساله، کوی مخصوصی به غرفه های روزنامه های احزاب برادر کمونیست و کارگری تخصص داده شده بود تا سخنگوی زندگی و مبارزه مردم خویش باشند. ماهنامه «مردم» نیز در جشن «اومانیته» نمایشگر مبارزه، زندگی و رنجهای ملت خود بود.

غرفه «مردم» را پرچمهای سه رنگ ایران زینت میدادند و صفحات سرود های انقلابی و ترانه های فولکلوریک که از بلندگوی غرفه پخش میشدند سراینده پیکار مردم و بارگو کننده گوشه هایی از زندگی خلق های زحمتکش ایران بودند. تم اصلی غرفه «مردم» فقدان دموکراسی در ایران و سرکوب جنبش انقلابی طی ۲۷ سال سلطنت شاه، نمایش زندگی رقت بار مردم از یکسو و شکوه و جلال زندگی دربار از سوی دیگر بود.

وقوع زلزله در ایران و مرگ جانکاه هزاران نفر از هموطنان ما و بیخانمانی دهها هزار نفر دیگر نیز، حادثه تکانهنده ای بود که در غرفه «مردم» جای مخصوص خود را داشت. یک تابلوی سمبلیک درباره مقتولین حادثه که توسط یک هنرمند ایرانی تهیه شده بود و نیز عکسهایی از وضع دلخراش مردم مناطق زلزله زده، تماشاگران را به همدردی و کمک به زلزله زدگان تشویق میکردند. برای جمع آوری کمک، یک صندوق در غرفه «مردم» گذارده شده بود و «صندوق اعانه» جشن اومانیته نیز برای زلزله زدگان ایران کمک جمع آوری میکرد. بیش از ۷۰۰۰۰ فرانک جدید از طرف تماشاگران جشن در

این دو صندوق ریخته شد و به مصرف خرید لباس و دارو برای زلزله زدگان رسید و به ایران ارسال گردید. این نشانهمبسته کی مردم شرکت کننده باملت مصیبت دیده ایران بود. در غرفه «مردم» تصاویری از زندگی بزرگ طبقات تهری دست در برابر صحنه های پر تلواو و شکوه زندگی درباری قطب های فقر و ثروت را در کشور ما نشان میدادند. یکی از بینندگان گفت: «جای تأسف است که مردم ایران تا اینجقدر فقیر باشند و شاه و درباریان با اینهمه جلال و شکوه زندگی کنند.»

تصاویر اعدام و تیرباران میهن پرستان انقلابی که طی ۲۷ سال سلطنت شاه به شهادت رسیده اند نفرت تماشاگران را نسبت به رژیم آزادی کش ایران برمی انگیزد. یک خانم تماشاچی هنگام بازدید غرفه «مردم» گفت: «من تا بحال تصور نمیکردم که در ایران اینهمه جنایت و قتل و کشتار صورت گرفته باشد» این تصاویر در عین حال بیانگر مبارزه قهرمانانه خلقهای ایران برای احراز دموکراسی و استقلال بود.

مصنوعات دستهای هنرمند زحمتکش ایران بصورت انواع قالبها، گلدان، کوزه سینی، اشیاء زینتی، رومیزی، دیوار کوبهای قلمکار، روسری، دستمال مورد توجه شدید تماشاگران خارجی بود. کارت پستالهای مناظر ایران و مینیاتور ایران، کتابهایی مانند «گلستان» و «مینیاتور ایران» بزبان فرانسه که برای فروش به تماشاگران عرضه میشد مورد استقبال قرار میگرفت.

در جریان جشن دو روزه «اومانیته» غرفه «مردم» علاقمندان بسیاری را بخود جلب نمود و مجموعاً میتوان گفت که غرفه «مردم» طی سه سال کوشش خود توانسته است در بین شرکت کنندگان جشن «اومانیته» جای معینی برای خود باز کند.

برای نجات زندانیان سیاسی

رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک شاه همچنان با اقدامات تضییعی خود ادامه میدهد. زندانیان ایران بر از آزادگان میهن پرستی است که در ظلمات اختناق، مشعل مبارزه را روشن نگاهداشته اند. تبعید عده ای از زندانیان حزب توده ایران و زندانیان وابسته به سازمانهای مترقی دیگر، اعزام دانشجویان مخالف رژیم به سربازخانه ها، بازداشت و شکنجه گروههای جدیدی از دانشجویان، محاکمه روحانیون آزادیخواه در دادگاههای در بسته نظامی و اعدام میهن پرستان کردستانی همه و همه ماهیت ضد دموکراتیک رژیم را بیش از پیش برملا میکند.

در شرایطی که در داخل کشور امکان تظاهرات و اعتراضات نیست فقط عرصه خارج از کشور برای نیروهای ملی و مترقی باقی میماند که باید در راه افشاء گری رژیم حد اکثر استفاده از آن بعمل آید. متأسفانه با وجود حبس و تبعیدهای جدیدی که از طرف رژیم صورت گرفته در یکسال اخیر عکس العمل لازم و کافی از طرف نیروهای مترقی نشان داده نشده و فقط به اعتراضات گه گاهی و پراکنده اکتفا شده است. وظیفه سازمانهای دانشجویی در خارج از کشور و کمیته های دفاع از زندانیان سیاسی است که با استفاده از امکانات وسیع خود در این راه پیشقدم شوند و برای رهایی زندانیان سیاسی، کارزار تبلیغاتی وسیع علیه استبداد رژیم را سازمان دهند. وظیفه همه دانشجویان آزادی دوست و همه سازمانهای دانشجویی است که بجای پرداختن به بحثهای بی سرانجام متجدد در راه مبارزه عملی و مؤثر برای نجات هم میهنان در بند خود گام گذارند.